

اکبر رادی و ارثیه ایرانی‌اش

مه همه‌جا را فراگرفته، از پنجره به کوچه نگاه می‌کنم، به بارش ریز باران وبامدادی که تاریک است. عود است چرخنده و پیر دریچه، به کبوتر» می‌پیچد.

در همین مه‌آلودگی به سوی روزهای پرجلسه و چالش‌های بی‌پایان می‌نگرم. انگار که تجربه‌ای است چرخنده و پیر دریچه، به رازآلودگی پشت صحنه و به سادگی سن. با تاریک و روشناها با چرخش ما بر جای جای سن و هم در تعامل با هر دم با پیروان صحنه، که تنها تماشا نمی‌کند بلکه جان می‌دمد یا می‌ستاند از بازی تو بر صحنه، داستان پیش می‌رود. گاهی کسی چنان در نقش فرو رفته و دیگران را به نقش خود گره زده که خاموشی چراغ‌ها و بسته شدن راهروها را هم درمی‌یابد. گاهی کسی چنان در هراس از چگونگی نقش خود است که همان میانه روایت نقش را فرومی‌ریزد و مخاطب را بیزار می‌سازد. به باور من نمایش اجتماعی‌ترین و سیاسی‌ترین هنر است چون در اکنون بر روی سن می‌تواند آینده و گذشته را به نقش بیاورد و بازی را هر بار به‌گونه‌ای دیگر بازنمایی کند. نمایش به تعامل همه‌نقسان در سالن وابسته است و می‌تواند آرا‌مان‌ها یا نقدها را به رخ بکشد.

نمایشنامه می‌تواند مخاطب را پیش چشم خودش روی سن بازنمایی کند زشتی و زیبایی‌اش را و درستی و ناراستی‌اش را به‌رخ بکشد آن هم چشم در چشم با سایه به سایه. زبان واژگان و زبان تن باهم در جریان است. ما در ایران نمایش و نمایشنامه را بویژه با نام‌هایی چون بهرام بیضایی، اکبر رادی و محمد چرمشیر بازشناسی می‌کنیم. با روایت و به قلم‌شان تاریخ تاریکی را روی صحنه دیده‌ایم، زنده، نمادین و رسا. خودهمذات‌پنداری می‌کنیم، در «ارثیه ایرانی» و چنان می‌بازیم در پرده‌های «مرگ در پاتیلر». او آفریننده، سراینده و نویسنده بود و بر زبان چیره. شخصیت‌هایی که او در نمایشنامه‌هایش آفرید از همه گروه‌های اجتماعی بودند، چون او روایتی

م. سرشک در تازه‌ترین در گفتاشر از رابطه ادبیات، عرفان و هنر با سیاست گفت

از دیوار توقع شنیدن نداریم

محمدرضا شفيعی دکتری / نویسنده، پژوهشگر وشاعر:از عارف و زاهد توقع اینکه حتماً باید بیاید وسط میدان و مبارزه کند نمی‌توان داشت. همان‌طور که از یک نقاش و موزیسین و سینماگر و مجسمه‌ساز هنرمند ذاتاً نمی‌توان توقع داشت که حتماًتو باید دارای گرایش سیاسی ومبارز ایدئولوژیک باشی. ما از کمال الملک نقاشی می‌خواهیم البته می‌تواند این نقاشی‌ای دارای گرایش‌های اجتماعی باشد و می‌تواند نباشد. شما نمی‌توانید بگویید چون شما عارف شدید باید حتماً فمینیست هم باشید اما منافع‌ی ندارد که کسی بگوید من عارفم وفمینیست هم هستم. مثل این است که بگویی من نقاشم ولی فمینیست نیستم. ملازمه‌ای بین هنرمند بودن با مثلاً فمینیست بودن یا ضد فمینیست بودن وجود ندارد. این‌طوری نگاه نکنید به موضوع.

غرض این است که اینجا تقابل «عدم و ملکه» است که در منطق می‌گویند. درست مثل دیوار؛ از دیوار ما توقع شنیدن نداریم ولی از این خانم به‌عنوان یک انسان توقع داریم که بشنود. به این می‌گویند تقابل عدم و ملکه. اگر زاهدی مبارز هست مثل ابودر فایز یا بنی‌امر که الهیات را با نگاه هنری مبارز نیست به او به‌عنوان یک مبارز نمره نمی‌دهیم اما به‌عنوان یک عارف به‌عنوان کسی که الهیات را با نگاه هنری و جمال‌شناسانه می‌نگرد به او نمره می‌دهیم و احترام می‌گذاریم. هنر هم چنین است. هنرمند، هنرمند است.

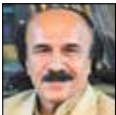
سیدعباس صالحی: مراجع توصیه‌های وزارت بهداشت را مبنا قرار دهند

از مراجع، مدیران حوزه و تولیت‌های مراکز مذهبی خاضعانه می‌خواهم که در مواجهه با کرونا در مراکز تحت تدبیر، توصیه‌های وزارت بهداشت و درمان و علوم پزشکی را مبنا قرار دهند و از هرگونه تصمیم اختصاصی پرهیز کنند. مباد بهانه دیگری برای دین‌گریزی و دین‌ستیزی پدید آوریم.

تونیت وزیرفرهنگ و ارشاد اسلامی و تقاضایش از مراجع و مدیران حوزه



یاد



اردشیر صالح‌پور پژوهشگر

به‌تعبیر زنده یاد اخوان ثالث آخرین خوان پس از هفت‌خوان زندگی «خوان هشتم» یا همان «مرگ» است. خبر کوتاه بود، پیامکی جانکاه، پیرسخنوران و نقالان ایران به قصه‌ها پیوست، داغدار شدیم...

باری در این مرگ و میر زمینی و آسمانی که مدام غمباراست و از زمین و زمان، مرگ می‌بارد خبر درگذشت آخرین پیشکسوت نقالان ایرانی هم خبری فاجعه‌بار بود. حالا اوساکن محله ابره‌است. آن باستان یادگار از روزهای خوب پارینه، مرد نقال آن صدایش گرم، نمایش گرم، آن سکوتش ساکت و گیرا و دمش چو‌نان حدیث آشنایش گرم... اکنون به‌خاموشی نشسته و می‌رود تا آخرین نقل‌ها و قصه‌ها و افسانه‌ها را با خود به جهان دیگر ببرد و حالا رخش سخن بی‌سوار مانده است. آسید مصطفی سعیدی، نقال پیشکسوت ایرانی از استان لرستان، خطه‌ای که شاهنامه را نمی‌خوانند بلکه آن را زندگی می‌کنند و به قول استاد فرهیخته خراسانی، دکتر محمدجعفر یاحقی که می‌گوید فردوسی جسمش در طوس مدفون است، اما روحش در لرستان وبختیاری است و همواره از سیه‌چادرهای عشایری نوای شاهنامه به آسمان بلند و در کوهستان‌ها طنین‌انداز است...

در حاشیه نمایش «زمستان/داخلی/خانه عروسک»

لذت راه رفتن روی لبه تیغ

برگ برنده «زمستان/

داخلی/خانه عروسک» ایده و اجرای جاه‌طلبانه‌اش است؛ ایده و اجرایی که قرار است مخاطب را غافلگیر کند و همین غافلگیری با تمام جذابیت‌هایش می‌تواند

به پاشنه آشیل نمایش هم تبدیل شود. واکنش‌های ضد و نقضی که در این چند روز نثار این نمایش شده دلیلی ندارد جز همین وضعیت دوگانه. عده‌ای (از جمله نگارنده) از ایده رادیکال نمایش وفاداری کامل به قواعد پست‌مدرنیسم لذت برده‌اند و عده‌ای دیگر اجرای آوانگارد آن را برنتابیده‌اند و از اینکه فرصت تماشای یک نمایش متعارف از آنها دریغ شده دلخور شده‌اند. بخشی از این واکنش‌ها لازمه هر تجربه ضدجریانی است و از قبل قابل پیش‌بینی بوده.

بخشی دیگر هم به ریسک‌پذیری سازندگان نمایش و استقبال از یک چالش واقعاً دشوار برپا کردیم و از کتاب‌های رادی و چرمشیر و برگردان نمایشنامه‌هایی چون «دشمن مردم» کیسپون و بکت و مارکز تا باغ آلبالو را کاویدیم. نمایش دشوارترین و زنده‌ترین کار فرهنگی مدرسه و کانون و دانشگاه بود. برای دیدن کارهای او که بیشتر با کارگردانی‌های مرزبان و به‌رو صحنه رفته، در صف می‌ایستادیم و شرافت و باورمندی‌اش را همواره الگویی فرهنگی برای هنرمندان و مخاطبان فرهنگی می‌دانسته‌ایم. حق فرهنگ و مردم از اکبر‌رادی و کوشش ارزنده فرهنگی‌اش شعور را بر آن داشت که با نامگذاری در شهر، این نقش جاودانه او برای نمایش و فرهنگ و هنر معاصر ایران پاس داشته شود و در کنار تابلوی نام روایت زیسته او برای مردم خوانا باشد. کسی که هرگز در هجو وبیهودگی نلغزید و هیچ‌گاه‌باور به خوشی را فرو نکاست. نوشتن و آفرینش نقش او بود که به کمال انجام داد.

عکس نوشت

همه چیز از این پست همایون شروع شد تا اینکه شایعه درگذشت خسرو آواز ایران دست به دست در فضای مجازی گشت و گشت. همایون در کنار این عکس که امضا و تقدیم شجریان به پسرش بود نوشت «ای عهده صبا به سبا می‌فرستم». حسن عباسی پزشک خانوادگی محمدرضا شجریان در گفت‌وگو با «ایران» ضمن تکذیب خبر می‌گوید: این اخبار را قویاً تکذیب می‌کنم. بلایی بودو به خیر گذشت. فعلاً اوضاع تحت کنترل است و تمام اخبار شایعه است. امروز (جمعه) حالشان و سطح هوشیاریشان از دیروز بهتر است. ۱۰ دقیقه پیش باهمایون حرف زدم. برای او هم این اخبار را فرستاده‌اند. همه همکاران تلاش می‌کنند آسایش استاد شجریان را فراهم کنند. دعای همه ما بדרך راه اوست و من از همایون هم خواهم خواست چیزی بنویسد تا این شایعه‌ها خاتمه پیدا کند. شرایط در حال حاضر تحت کنترل است و امیدواریم در وضعیتشان بهبود بیشتری هم حاصل شود.

داوود گنجه‌ای: حال محمدرضا شجریان بحرانی نیست

دیروز به بیمارستان رجم رفتم. استاد شجریان در آی‌سی‌یو هستند. صبح، مشکل تنگی نفس داشتند. اما عصر، حال عمومی ایشان رو به بهبود گذاشت. در این میان اخباری که درباره بستری شدن و وخامت حال شجریان منتشر می‌شود بسیاری از طرفداران خسرو آواز ایران را نگران کرده است. با این همه تا زمانی که من آنجا بودم حالشان بحرانی نبود.



داوود گنجه‌ای پیشکسوت موسیقی در گفت‌وگو با خبر آنلاین

به مناسبت درگذشت پیرسخنوران و نقالان ایران آسید مصطفی سعیدی

آخرین نقال ایران به خوان هشتم رسید



دریافته‌ای عجیبی داشت

برای به‌زیر کشیدن سر نشینان

مضطرب و خسته‌اش. هر

لحظه ممکن بود همه چیز

تمام‌شود. دیگر ذره‌ای توان

در خود نمی‌دیدم که بتوانم

دست‌انرا تکان بدهم. حتی

چشم‌پن‌سیاهی می‌رفتند؛

رهاکاران چوب‌مساولی بود

با مرگ.

هیچ دوستی به جز کوهستان، بهروز بوچانی، نشر چشمه

دام‌دار رفت و تا همین اواخر در سینما کیهان درود چهارشنبه‌های آخر ماه نقل می‌گفت...

اودر سالیان اخیر از سوی جشنواره‌های سنتی و آیینی بارها مورد تقدیر قرار گرفت و چندین بار از ایشان تجلیل شد، تا آنکه بنا به رأی شورای ارزشیابی هنرمندان کشور به افتخار درجه یک هنری برابر دکتر افتخار گردید.

وحالا این پیرفرزانه صاحب طومار که سه جلد طومار شاهنامه نوشته تا کوله‌باری از دانش و نقل و حسرت می‌رود تا در بروجرد استان لرستان به خاک دیار خود بیارامد و فروتنانه به خاکش سلام کند تا از پیکرش گل و سبزه بردم.



اینکه هشتک کرونا در این شرایط پرکاربردترین هشتک شبکه‌های اجتماعی برای کاربران ایرانی شود اصلاً بعید و عجیب نبود. از روز چهارشنبه که ابتدای دو نفر در قم به این ویروس محرز شد تا دیروز که خبرهای ضد و نقیض منتشر می‌شد همه درباره کرونا می‌نوشتند. خیلی‌ها

توصیه‌های پزشکی مانند طرز صحیح شستن دست‌ها را بازنشر می‌کردند و بعضی‌ها هم از شرایط شهراهایشان می‌نوشتند. بین اینها اخبار کذب هم با عنوان‌هایی چون «آشنا و فامیل در بیمارستان» و... منتشر می‌شد که به گفته کاربران نتیجه بی‌اعتمادی به اخبار رسمی است. خیلی‌ها از ضعف اطلاع‌رسانی درباره این بیماری کله دارند. کم‌یاب شدن و گرانی ماسک و وسایل ضدعفونی‌کننده هم از مسائلی است که کاربران زیادی به آن اشاره کردند. یک نکته جالب هم نوشتن درباره توصیه‌های کذب درباره این بیماری است که از قول پروفسور سمعی جراح مغز و اعصاب بین مردم و به خصوص در کانال‌ها و گروه‌های تلگرامی پیش می‌شود: «خطرناک‌تر از کرونا این بی‌اعتمادی عمومی و فراگیر به آمارهای رسمی است»، «به جان خودم اگر ملت باور می‌کردند که ماسک جلوی مبتلا شدن خودشونو به کرونا نمی‌گیره و باعث می‌شه به دیگران سرایتش دند عمر ماسک می‌زدند! یکی رو دیدم ماسک رو داد پایین تف کرد رو زمین!»، «اینکه فوت‌شدگان کرونا سفر خارجی نداشته‌اند، معنی‌اش این نیست که در تولید کرونا به خودکفایی رسیده‌ایم! معنی‌اش این است که این ویروس چند دست چرخیده تا به این قربانیان رسیده است»، «به نظر من ایجاد رعب و وحشت از طریق share کردن اخبار و عکس و فیلمای کرونا، به سالمندا و افراد دور از فضای اجتماعی آموزش دیدید، راه‌های پیشگیری رو بگید، هشیارشون کنید که مواظب باشند...». «به فکر آلوده شدن کودکان کار و خیابان‌ها به کرونا هستم. چقدر آسیب پذیرترند»، «کرونا بهانه خوبی است تا بعضی کارها را شروع کنیم. میز و کیبورد و وسایل اداری‌تان را خودتان تمیز کنید. همکار نظافت‌چی فقط آلودگی‌ها بقیه شرکت را برای شما هدیه می‌آورد. به سازمان‌ها بخواهید برای هر اتاق تی و کفش‌های مجزا تهیه کند و آنی که توالت را می‌شوید تا راهرو و اتاق‌ها نباید»، «این خبرهای کرونا را وگ مطمئن نیستید پخش نکنید لطفاً. فقط از منابع معتبرشو پخش کنید. دستام داره می‌لرزه»، «دوستان به مدت بیابید از عادات ایرانی بودنمون مثل ربووسی، دست دادن و بغل کردن دست برداریم. سوپرمن بودن رو کنار بزاریم، هم خودمون ماسک بزنیم هم کسی که ماسک می‌زنه رومسخر نکنیم. هر چیزی که باعث بالا رفتن سیستم ایمنی می‌شه مصرف کنیم و دائم دستامونو با صابون یا محلول ضد عفونی بشوریم»، «محلول ضد عفونی کمیاب می‌شه، ماسک گرون می‌شه و قیمت آزمایش کرونا سر به فلک می‌زنه. ما دشمن می‌خوایم؟ دشمن ما رو می‌خواد!»، «ماسک کمیاب شده و تو داروخونه‌هایی هم که موجوده، پنج شش می‌بینی که ماسک زده باشه. پس این ماسک‌ها دقیقاً به کی فروخته شده؟»، «اینکه در کشور کمبود ماسک هست اشکالی نداره. ژاپن هم چنین مشکلی به‌صورت مقطعی بوجود آمد. ماسک ۲۵۰۰ تومنی رو دارن ۲۰ هزار تومن میفروشن! آگهی زندن تا ۱۰۰ هزار تومن! ما دشمن می‌خوایم آخه؟»، «از اولین روز اختراع آدمیزاد تا همین دو دقیقه قبل، در حق هیچ‌کس به اندازه دکتر سمعی اجحاف نشده... طرز تهیه خاگینه ضد کرونا به روش پروفسور سمعی؟!»، «باورم نمیشه به جراح مملکت اون پرت و پلا و شایعه منسوب به دکتر سمعی رو استوری کرده نوشته عسل بخورید یا زنجبیل کرونا معالجه بنشه. به‌رایم ریخت!»، «وقتی هنوز به حرف‌های نرزیان و امثالهم گوش می‌دید، طبیعیه که باور می‌کنید دکتر سمعی اینقدر بیکاره که بیاد بیاتیه بده و عنبر نسا را رو توصیه کنه!

دیگه از اون همکار پزشکم انتظار نداشتم خدایش!»

هفته نوشت
ستون شنبه



الهام فخاری عضو شورای شهر تهران